

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۱۴ شوال ۱۴۴۳ • می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۳
اذان صبح فردا ۴:۱۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

شرق

دیالوگ روز

از کرخه تا راین - ابراهیم حاتمی‌کیا - ۱۳۷۱

سعید (علی دهکردی):

خدا... چرا اینجا؟/ تو زمین دنبالت گشتم، نبردیم / تو دریا دنبالت بودم، نکشتمیم / تو جزیره‌ها دنبالت گشتم ولی فقط چشم‌هام رو گرفتی، این تن رو نبردی / چرا اینجا؟/ من شکایت دارم، من شساکیم! / پس کو اوان رحمانت؟ کو رحمت؟ / آخه فراموش این نبود / چرا چشم‌هام رو بهم پس دادی؟ من شکایت دارم، به کی شکایت کنم؟

جای خالی موزه تهران



احمدمسجدجامعی

آقای «سیف‌الله کامبخش» باستان‌شناس کاوشگر تبه‌های قیطره در شـمیران کتابی با عنوان «تهران ۳۲۰۰ساله» تألیف کرده است. او در جست‌وجوهای خود به سفال خاکستری دست یافت. این سفال نشان‌دهنده دوره‌ای است که ساکنان به چنین دستاوردی راه یافته بودند و می‌توانستند سفال‌هایی از طیف خاکستری روشن تا سیاه به دست آورند. در جنوب پایتخت اریک اشیمت در کشفیات باستان‌شناسی چشمه‌علی در ری به سابقه هفت‌هزارساله رسید. از تمدن چشمه‌علی آثاری با نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی بر جای مانده که چشمگیر و شکل آن نیز بیشرفتی روشن را گواهی می‌دهد. در مرکز تهران، در خیابان مولوی بانویی هفت‌هزارساله پیدا شد و تلاش ما در شورای چهارم برای نگهداری در همان محل و در کنار آن ایجاد پایگاهی پژوهشی به جایی نرسید و پس از مدتی برای مصون‌ماندن از آسیب بیشتر به موزه ایران باستان سپرده شد. از نگاه ما راه‌اندازی چنان سایتی در کنار «کارونسرای صفوی خانان» و بنای رفیع «قبر آقا» می‌توانست محرک توسعه در آن پهنه باشد. همه اینها نشان می‌دهد که تهران برخلاف آنچه پیش‌تر تصور می‌شد، شهری با قدمت چندصدساله نیست، بلکه تاریخی چندهزارساله دارد. جز آن باید اشاره کنیم که بسیاری از تأسیسات تمدنی جدید از تهران آغاز می‌شود، و به غنای این شهر می‌افزاید.آثاری از دوره‌های آل بویه، سلجوقی، ایلخانی و صفوی کم‌رویش در این سو و آن سو، سوسو می‌زند. از دوره‌های بعد نیز آثار فراوانی برجای مانده است. این مجموعه گسترده اقتضا می‌کند که برای تهران راسته - موزه‌های مستقل برپا شود. تهران امروز نزدیک به ۲۰۰ موزه شبکهای، موضوعی و خانگی دارد. بیشترین آنها مربوط به میراث فرهنگی، شهرداری و بنیاد مستضعفان است. آخرین آنها موزه‌های است در کاخ مرمر؛ موزه هنر ایران و همچنین موزه دفیئه در شکل و شمایللی نوین. موزه قرآن دست‌کم در زمان راه‌اندازی آن در جهان یگانه بود. زمانی که موزه صنعت در ری مطرح شد، این نکته را یادآوری کردم که اگر قرار است

زیر پوست شهر

صف یارانه پشت در بخشداری مرکزی

خیابان ولیعصر کمی بالاتر از فاطمی، خیرگزاری ایرنا قرار دارد. طبق گزارش این خیرگزاری دولتی در چند روز گذشته حداقل ۲۲ نفر دستگیر شده‌اند. کمی پایین‌تر، نرسیده به فاطمی، بخشداری مرکزی تهران قرار دارد. دو، سه روز است که تعداد زیادی از مردم روزانه جلوی در آن جمع می‌شوند و فرم‌های اعتراضی خود را نسبت به عدم دریافت هزینه معیشتی اعلام می‌کنند. این هزینه معیشتی همان مبلغی است که به حساب افراد زیادی واریز شده است و به حساب بسیاری دیگر واریز نشده است. همان‌طورکه ابراهیم ربیسی در آخرین واکنش خود گفته است: «برداخت ماهانه ۴۰۰ هزار تومان به هر فرد گامی برای رفع فقر مطلق است» و البته در مقام رئیس دولت تأکید کرده است «برداخت این مبلغ به‌صورت ماهانه به هر فرد کار سختی است» اما این پلاکاردی که جلوی این بخشداری زده شده، به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند، به‌زودی قرار است افراد و کسانی که یارانه‌شان قطع شده یا در سال‌های گذشته به منظور دریافت یارانه ثبت‌نام نکرده‌اند، بتوانند در سایتی که توسط

چه خبر

خبرگزاری‌ها: همان‌طورکه پیش‌بینی می‌شد، گروه اوکراینی برنده یوروویژن امسال شد و همان‌طورکه زلنسکی در پیام آنلاین خود اعلام کرد، شهر بندری ماریوپل که در پی تهاجم روسیه به اوکراین در ماه‌های اخیر ویران شده، میزبان رقابت یوروویژن سال آینده خواهد بود. هرچند جزء مقررات این جشنواره موسیقی، تأکید بر سیاسی نبودن است؛ اما به نظر می‌رسد این احساسات و همدلی بود که سبب پیروزی شد. به گزارش روتیتر گروه موسیقی «کالوش ارکسترا» بر اساس رأی‌گیری هیئت داوران این اجرا در جایگاه چهارم این دوره از رقابت‌های یوروویژن قرار گرفت اما با کسب رکورد در رأی‌گیری بینندگان، رتبه نخست را کسب کرد.

موزه‌ای با کمک‌های کلان مدیریت شهری برپا شود، موزه تهران اولویت دارد. در دوره گذشته مدیریت شهری با همکاری موزه ملی ایران یک طبقه از ساختمان آن به اشیائی از ساختمان آن به سفال خاکستری که در تهران یافت شده بود و در آنجا نگهداری می‌شد. این جزء آثاری است که در اختیار میراث فرهنگی استان تهران قرار گرفته بود؛ مانند خمره‌هایی که در کشفیات سوهانک، خانم

آرمان شیشه‌گر به دست آورد و جدای از کاوش‌های تپه قیطره است که در موزه رضا عباسی جای گرفته است. این تلاش موفق می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری موزه تهران با همکاری مدیریت شهری پایتخت و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی باشد. برای همین پژوهش و تلاش مشترک، آقای نوکنده مدیر آن موزه جایزه تهرـان را دریافت کرد. پیش از آن دراین‌باره سندی هم در شورای سوم به تصویب رساندیم که شهرداری را مکلف به راه‌اندازی موزه تهران می‌کرد. حال که ساختمان زیبایی بلدیة در میدان امام خمینی (نویخانه) رو به پایان است، بجاست که این کار شتاب گیرد. پیش‌ترها هم چنین فکری برای چنین ساخت‌وسازی وجود داشت. اگر این میدان را میدا مجموعه‌ای از موزه‌های بزرگ تهران قرار دهیم، از یک سو کاخ موزه جهانی گلستان و از سوی دیگر خیابان امام خمینی تا چهارراه ولیعصر را در بر می‌گیرد، با موزه‌های بسیاری مانند موزه‌های اسک، پست، تمبر، ملک، عبرت، صنعتی، مقدم، دوران اسلامی، ایران باستان، ثبت‌احوال، هنر ایران، قرآن کریم و... این راسته و گذرگاه می‌تواند مهم‌ترین مقصد گردشگری نه‌تتها در پایتخت که در منطقه باشد و همچنان می‌توان بر موزه‌های سکه، باستان‌شناسی گلستان و از سوی دیگر خیابان امام خمینی در کنار ساختمان مرکزی آن سازمان که یادآور فداکاری‌های بسیار کارکنان بخشاغتش در عرصه خدمات و دفاع از حق شهر و حقوق شهروندی است. در چهارمین دوره مدیریت شهری فضای سردر باغ ملی با نگاهی کارشناسانه و شیوه‌ای روشمند با همکاری سازمان زیباسازی و مدیریت میراث تهران بازیابی شد. با این کار نخستین فضای فرهنگی-موزه‌های پایتخت رقم خورد و چندین‌بار هفته تهران از آنجا آغاز شد. برداشتن زوانه دیداری، کف‌سازی، نورپردازی و... با سرمایه شهروندان به نتیجه رسید. اما اکنون دره‌های این سو را بسته‌اند و به حیاط وزارت خارجه تبدیل شده است. این فضا از آن شهر و شهروندان است و در همین راسته موزه‌ها در خیابان امام خمینی قرار دارد که امیدوارم هرچه زودتر به صاحبانش

برگردد. در دولت اصلاحات ساختمان تاریخی وزارت خارجه در کنار خیابان امام خمینی به‌عنوان موزه دیپلماسی پیش‌بینی شد به شرط آنکه جای دیگری در اختیارشان قرار گیرد. دست‌کم در دوره پیشین، آن وزارت با این فکر همراهی داشت. این شیوه کف‌سازی و نورپردازی و حذف زوانه بصری و توجه به فضای سبز در مجموعه سردر باغ ملی می‌تواند الگوی راسته موزه‌ها در خیابان امام خمینی باشد. به‌رحال این همه، جدای از تلاش‌های موردی است که گاهی چندان به آن توجه نمی‌شود؛ در چند سال گذشته در یک تهران‌گردی در بازار حضرتی شاهد بودیم که مغازه‌ای با خاک برداری، به بافت خشتی یا آجری رسید که بعدها گفته شد احتمالاً کارگاه و کوره آهنگزی مربوط به دوره صفویه و دوره‌های پیش از آن است. می‌دانیم تهران به‌عنوان پایگاه نظامی و تأمین‌کننده سلاح و آذوقه سربازان همواره در برابر هجوم بیگانگان به این سرزمین ایفای نقش کرده و شاید این کوره در آن سال‌ها ادواتی مانند نیزه، شمشیر، سیر، نعل اسب و از این دست فراورده‌ها نیز عرضه می‌کرده است. تلاش برای آنکه نخستین مغازه-موزه کشور در آنجا راه‌اندازی شود، متأسفانه به جایی نرسید. همچنین تذکرات پی‌درپی درباره بخشی از حصار تهران که در بازار بزرگ، نزدیک میدان محمدیه قرار دارد، با وجود تأکید مدیریت شهری هنوز جای یگیری دارد. هرچند رسانه‌ای شدن اینها در چندین تهران‌گردی از تخریب بیشتر آنها جلوگیری کرد. بخشی از کاشی‌کاری دروازه محمدیه در یکی از سالن‌های ورزشگاه قدیمی شیرودی با امجدیه سابق واقع شده که شناسایی شد و در شرایط مطلوب نگهداری می‌شود. از طرح‌های ماندگار مدیریت شهری اسبق در پایتخت ارائه آثار موزه‌های ارزشمند در تابلوهای شهری با عنوان «موزه‌های به وسعت یک شهر» بود که فراوان درباره آن گفتند و نوشتند ولی چندسالگی است که جای آن در تبلیغات شهری خالی است. امیدوارم روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی زمینه‌ای برای توجه بیشتر به این امور باشد تا دیگر شاهد طرح‌هایی از قبیل تاراج این سرمایه‌های تابلوهای شهری برای مثلا کارآفرینی این و آن ناشیم و بدلیلی که این آثار، سرمایه ملی ما در طول قرن‌ها هستند و از قبَل آنها می‌توان هزارها شغل ایجاد کرد که در نسبت با آنچه طرح‌ان مثلا کارآفرین برای جوانان اندیشیده‌اند، بسیار کارآمدتر بوده و یادگار ماندگار هویت‌بخش ایران در این همه زمان است. روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی مبارک باد.



• هنوز در تهران محله‌هایی وجود دارند که خانه‌ها و مغازه‌ها بسیار قدیمی هستند و کوچه‌ها باریک و تودرتو که از لحاظ ایمنی در شرایط بحرانی، امکان امدادرسانی به آنها وجود ندارد. عکس: فاطمه عموزاد، فارس

سفر به سرزمین‌های دور

سمرقند شهری جهانی و ایرانی



بهرام امیراحمدیان

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم/کز نشیمش بوی جوی مولیان آید همی (حافظ)
به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌خوانند /سبه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی (حافظ)

این چه شهری است که حافظ افتخار می‌کند که اشعار او را در آنجا می‌خوانند و با فضا و ضرابهنگ موزون آن می‌خوانند و می‌رقصدند. این شهر سمرقند در واقع نکین جهان ایرانی است. معماری و فضای فرهنگی شهر رابطه‌ای تنگاتنگ با گذشته تاریخی آن دارد. این ویژگی هاست که از چهارسوی جهان گردشگرانی را به خود جذب کرده است. فردوسی آن حکیم توس در شاهنامه، اثر جاودان فرهنگ و تمدن و ادبیات ایران، از سمرقند یاد می‌کند و بودن در آنجا را برای قهرمانان مایه افتخار می‌داند و به این گفته استناد می‌کند که گفته‌اند «شرق‌المکان بالمکین» یعنی شرف یک مکان (شهر یا ولایت) به مردمان مشهور و نامی است که در آن زندگی می‌کنند. هم آثانی که در شهر زاده شده و در آن زیسته و آفریده‌اند به شهر سمرقند افتخار می‌کنند و هم شهر به بودن باشندگان بزرگ و نامی افتخار دارد.

در مرکز شهر سمرقند، هتلی است به نام «شاهنامه» و در همان حوالی خیابانی باریک و قدیمی و دراز واقع است به نام «ابوالقاسم فردوسی». من در یکی از سفرهایم در هتل «شاهنامه» و در مهمانسرای قدیمی با باغچه‌ای با درختان میوه و گل‌های سرخ در خیابان «ابوالقاسم فردوسی» اقامت داشتم. در سمرقند یک ایرانی هرگز خود را بیگانه احساس نمی‌کند. همه جا می‌تواند به زبان پارسی با دیگران سخن گوید و با لهجه شیرین تاجیکی پاسخ بشنود. در دانشگاه دولتی سمرقند بخش آموزش زبان فارسی دایر است. در خیاط یکی از مدارس قدیمی شهر، در انجمن دوستی سمرقند و ایران به نام فاریاب مجسمه‌ای از فردوسی توسی برافراشته شده است. در شهر سمرقند تعدادی ایرانی‌تبار زندگی می‌کنند. در یک جشن عروسی سمرقندی که شرکت داشتم مهمانان از حضور من به‌عنوان یک مسافر ایرانی بسیار استقبال کردند. در مرکز شهر میدانی است به نام «ریگستان» که در آن سه مدرسه قدیمی با کاشی‌کاری و معماری تحسین‌برانگیز با شهرت جهانی واقع شده است. مدارس «شیردار»، «طلاکاری» و «الخ‌بیگ» در این میدان بزرگ از دوره تیموری واقع شده و جشنواره دوسالانه موسیقی معروف «شرق ترانه لری» (رانه‌های شرق) بیش از یک دهه است که نوازندگان و هنرمندانی مشهور و صاحب‌نام را از سراسر شرق به این میدان می‌کشاند. در بناهای تاریخی شهر کنیه‌هایی با کاشی‌های آبی‌رنگ با خط نستعلیق فارسی می‌توان یافت که با اشعار فارسی مزین شده‌اند. در پیشانی سردر «گور امیر» که مزار تیمور و خانواده وی در آن قرار دارد، نوشته شده است: «عمل عبدالضعیف المحمود البنا الاصفهانی» (ساخت بنده کمترین محمود بنای اصفهانی). سمرقند پایتخت تیمور بود. می‌توان عظمت این شهر را در کتاب «سفرنامه کلایپوخو» سفیر دربار اسپانیا که از طریق گذر از ایران به این شهر سفر و به دربار امیر تیمور راه یافته است، به تفصیل خواند و به عظمت شهر و فضای فرهنگی و سیاسی آن پی برد. مشاهیر بزرگ ایرانی در این شهر زیسته‌اند.

سمرقند در عین حال ایرانی و مآمن ایرانی و ایرانی‌تباران و فارسی‌زبانان است، شهری جهانی و متعلق به جهانیان است. زیرا بزرگانی که از این شهر و در فضای معنوی فرهنگی ایرانی برخاستند، همچون ستارگانی بر آسمان علم و ادب، جهان را به سوی خویش فراخواندند.

سمرقند یکی از باستانی‌ترین شهرهای جهان است که در سال ۲۰۰۷، دوهزار و هفتصد و پنجاهمین سالگرد بنیان‌گذاری آن جشن گرفته شد. این شهر ازبکستان که غالباً به عنوان «آینه جهان»، «باغ جان»، «گوهر اسلام»، «موراید شرق»، «زیبایی کنوهرهای زمینی» از آن یاد می‌شود، مرکز تجاری آسیای مرکزی بود که به مدت دو هزار سال در مسیر جاده بزرگ ابریشم قرار داشت. سمرقند همچنین پایتخت سیاسی و فرهنگی آسیای مرکزی در سده‌های میانه، در انتای دوره امیر تیمور (تیمور لنگ) بود. با استقرار در وادی زرافزان و احاطه‌شده توسط دامنه‌های کوه‌های پامیر - آلالی، این واحه افسانه‌ای در انکشتان بیابان قرل‌قوم، هیچ‌گاه بدون تحسین‌کنندگان شگفت‌زده نبوده است. نام دیگر آن، «شهر سایه‌های معروف» است که آشکار می‌سازد شهر سمرقند شاهدهی است بر میدان دید تاریخ آسیای مرکزی. بیش از ۴۰ هزار سال پیش، مرزهای طبیعی ترسیم‌شده انسان دوره پارینه‌سنگی در این منطقه بود. شهر شایسته ادعای برابری را رُم و بابل بود و از نظر باستان‌شناسان، تاریخ استقرارگاه‌های شهری در این منطقه، حداقل به قرن ششم پیش از میلاد می‌رسد.

سمرقند دومین شهر بزرگ ازبکستان و به دیرینگی شهرهای رُم، آتن و بابل است و ۲۵ قرن قدمت دارد. در دست‌نوشته‌های کهن عربی از این شهر با نام «گوهر شرق» یاد می‌شود. اروپایی‌ها آن را «سرزمین دانشمندان» می‌نامند. سمرقند شهری باشکوه و زیبا و شهر افسانه‌هاست. هنگامی که اسکندر کبیر نخستین‌بار سمرقند را دید، اظهار کرد: «من شنیده بودم که شهر زیبات، اما هرگز نمی‌دانستم که این شهر می‌تواند چنین زیبا و باشکوه باشد». «... و اکنون نگاه خود را به سوی سمرقند بگردان. آیا این شهر ملکه زمین نیست؟ آیا به خود نمی‌بالد از اینکه فراتر از همه شهرهاست و مقدرات همه شهرها را در دست دارد؟» (ادگار آلن پو، ۱۸۰۹-۱۸۴۹).

«ما تنها برای آمد و شد سفر نمی‌کنیم / ما بادهای گرم‌تر، قلب‌های گرم ما خنک می‌شود / برای هوس دانست نباید شناخته شد / ما راه طلایی سمرقند را در پیش می‌گیریم» (جیمز البروی فلکر).
این سخنان زیبا و اشعار دلنشین از آن غریبان است که دربراه یک شهر شرقی در آسیای میانه سروده‌اند. این جذابیت برای چیست؟